



جورج فریدمن
استراتژیست

ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه اخیراً اقدامی بی‌سابقه انجام داد. او یک کنفرانس مطبوعاتی دوساعته خطاب به مردم آمریکا برگزار کرد. البته این کار دقیقاً یک کنفرانس مطبوعاتی نبود، به این معنا که تا کر کارلسون، مجری برنامه‌های تلویزیونی که به نظر می‌رسید با روسیه هم‌دل است، تنها خبرنگار حاضر در این کنفرانس مطبوعاتی بود! اما به بیان دقیق، این یک مصاحبه هم نبود، چرا که در بیشتر برنامه، پوتین متکلم بوده بود. اتفاقاً همین مسئله این مصاحبه را از شنیدنتر کرد، زیرا به پوتین اجازه داد دیدگاه‌های خود را به شیوه‌ای جالب و مهم بیان کند. در عوض، ما دیدگاه واقعی روسیه را در مورد جنگ در اوکراین شنیدیم و پوتین مردی معقول و متفکر به نظر رسید. او برخی ادعاهای بسیار مشکوک را مطرح کرد، اما هر رهبری ممکن است ادعاهای مشکوک مطرح کند. او همچنین تصریح کرد که او یک وطن‌پرست روسی است که برای منافع روسیه کار می‌کند و بنابراین همه‌ی ادعاهای او را بپذیرد. او نمی‌خواست مانند استالین به نظر برسد. او همچنین بسیار آگاه به نظر می‌رسید؛ خیلی فراتر از بسیاری از سیاستمداران. او از این مزیت برخوردار بود که می‌دانست چه باید بگوید. اما من معتقدم که پوتین با کمک پرسش‌های از پیش تعیین‌شده، حسی از دانش گسترده‌اش را به مخاطب ارائه کرد. او سعی کرد نشان دهد که روسیه توسط یک متفکر اداره می‌شود. با این حال، با توجه به طولانی بودن و پیچیدگی مصاحبه، عموم مردم آمریکا ممکن است کل مصاحبه را ندیده باشند. با این حال، به نظر می‌رسد که توضیحات تاریخی، هدف قرار دادن مخاطبان آمریکایی و توصیف فوق‌العاده مفصل از روسیه و تاریخ روسیه، چارچوب‌ها را برای مذاکره‌ای که پوتین در ذهن دارد، فراهم می‌کند. پوتین در دفاع از حمله روسیه به اوکراین ایالات متحده و ناتو را به عدم صداقت و دوگانگی در مواجهه با روسیه متهم کرد. این مصاحبه یک برنامه معمولی نبود، بلکه یک اقدام هدفمند بود. سخنان اصلی پوتین مربوط به تاریخ روسیه بود. او چگونگی شکل‌گیری روسیه را توضیح داد و آن را با شکل‌گیری اروپای شرقی مقایسه کرد. به این ترتیب او استدلال کرد که اوکراین از نظر فیزیکی و زبانی همیشه بخشی از روسیه بوده است. او به طور ضمنی تأکید کرد که اوکراین همان روسیه است و تهاجم به اوکراین صرفاً نشان‌دهنده بازگشت روسیه به واقعیت قدیمی خودش است. به همین دلیل است که به گفته پوتین، اقدامات روسیه در اوکراین یک عملیات نظامی ویژه است و نه یک اقدام جنگی. او همچنین از لهستان صحبت کرد و اشاره کرد که لهستان و لیتوانی مرزهای هستند که ریشه‌های آنها از روسیه جدایی‌ناپذیر است. استدلال پوتین این بود که تاریخ، یک مکان را به اطراف و ساکنان آن پیوند می‌دهد و در این مورد، به روسیه این حق را می‌دهد که در قلمرو خارجی خود ادعایی داشته باشد. پوتین در بخشی دیگر ضمن ابراز آمادگی برای مذاکره گفت: آمریکا با استفاده از دلار برای وادار کردن قدرت‌های خارجی به همسوس شدن با جهان بینی خود به خودش آسیب می‌رساند. او سپس در گنج‌کننده‌ترین اظهارات خود مدعی شد که اقتصاد چین از اقتصاد آمریکا در حال پیشی گرفتن است و آینده اقتصادی چین روشن است. گویی او واقعیت چین را در مدت زمان دو سال پس از حمله به اوکراین فراموش کرده است. یکی دیگر از چیزهایی که مرا تحت تأثیر قرار داد، اظهارات او در مورد موشک‌های مافوق صوت قاره‌پیمای روسیه بود. سرعت و قدرت موشک‌های هایپرسونیک، دفاع در برابر آنها را بسیار دشوار می‌کند. من در کتاب «آینده جنگ» از توسعه موشک‌های مافوق صوت بین‌قاره‌ای توسط آمریکا حمایت کردم. ایالات متحده هنوز یک موشک مافوق صوت نساخته است و من هیچ مدرکی دال بر توسعه یک موشک بین‌قاره‌ای ندارم. اگر موشک مافوق صوت قاره‌پیمای روسیه به همان اندازه‌ای باشد که پوتین گفته، پس شاید مهمترین چیزی باشد که او گفت. بقیه اظهارات پوتین شامل شکایت از ناتو و ایالات متحده و اصرار او بر این بود که انقلاب اوکراین در سال ۲۰۱۴ آغاز واقعی جنگ بود. او توضیح نداد که چگونه روسیه می‌توانست چنین تهدید وحشتناکی را برای مدت طولانی نادیده بگیرد. پوتین، رئیس‌جمهور یک دولت-ملت مدرن است، بنابراین باید سیاست‌های خود را برای مردمش توضیح دهد و سعی کند بر سایر دولت‌ها و افکار عمومی خارجی تأثیر بگذارد. هدف، صداقت نیست، بلکه متقاعد کردن است تا دولت‌های دیگر تحت فشار دقیق قرار بگیرند.



چرا اسرائیل به دنبال نابودی آنروا است؟

اسرائیل قصد دارد نابودی آنروا ایده بازگشت پناهجویان و حق بازگشت فلسطینی‌ها را از بین ببرد

برای کمک به مردم غزه، نهادی حیاتی به حساب می‌آورد. وزارت امور خارجه اسرائیل به دنبال ایجاد تدریجی پرونده برای از میان بردن این سازمان به‌عنوان بخشی از برنامه «روز پس از جنگ» در صورت نابودی حماس است.

روند رخ داده‌ها

بر اساس گزارشی که نیویورک تایمز منتشر کرده، روند «توالی حوادث» که باعث شد ایالات متحده کمک مالی به آنروا را به حالت تعلیق درآورد، در ۱۸ ژانویه زمانی آغاز شد که امیر وایسبرود، معاون مدیرکل وزارت خارجه اسرائیل، با فیلیپ لازارینی، رئیس آنروا، در تل‌آویو دیدار و گفت‌وگو کرد. وایسبرود پرونده‌ای از اطلاعات جمع‌آوری شده توسط اسرائیل به لازارینی نشان داد که در آن ادعا شده بود ۱۲ کارمند آنروا در حملات ۷ اکتبر شرکت داشته‌اند. پس از این دیدار که در اسرائیل انجام شد، لازارینی هیچ تلاشی برای درخواست شواهد و مدارک برای اثبات صحت ادعاها نکرد. در عوض یک مقام سازمان ملل گفت که او به نیویورک رفت تا با آنتونیو گوترش، دبیرکل سازمان ملل متحد ملاقات کند و بلافاصله شروع به اخراج کارمندان کرد. روزنامه گاردین گزارش داده است که کمی بعد در یک کنفرانس مطبوعاتی از لازارینی پرسیده شد که آیا او بررسی کرده است که شواهدی برای ادعاهای ارائه‌شده توسط وایسبرود به او وجود دارد یا خیر و لازارینی در پاسخ گفت: «خیر! در حال حاضر تحقیقات در این خصوص در جریان است.» لازارینی گفت که او این «تصمیم استثنایی و سریع» را به دلیل «ماهیت بسیار مهم ادعاها» اتخاذ کرده است؛ در حالی که هنوز هیچ مدرکی از سوی اسرائیل ارائه نشده است. لازارینی گفت که حتی خودش پرونده را نخوانده است زیرا پرونده به زبان عبری بوده است. او گفت در عوض، «وایسبرود پرونده را می‌خواند و برای من ترجمه می‌کرد.»

یک پرونده مشکوک دیگر

با افزایش انتقادات به تعلیق کمک‌های مالی به آنروا، مقامات وزارت خارجه اسرائیل پرونده‌ای را در اختیار چندین سازمان خبری خارجی قرار دادند. اما پس از مشاهده این پرونده، هم فایننشال تایمز و هم کانال ۴ بریتانیا گزارش دادند که اسرائیل «هیچ مدرکی» برای این ادعاها ارائه نکرده است. کریس گانس، رئیس سابق آنروا پرونده ارائه‌شده توسط اسرائیل را با «پرونده مهم» ایجادشده توسط تونی بلر برای کشاندن بریتانیا به جنگ در عراق مقایسه کرد. او گفت: «هیچ مدرک واقعی وجود ندارد و اینها فقط اتهام است.» لیور حیات، سخنگوی وزارت خارجه اسرائیل، سعی کرد امتناع وزارت خارجه اسرائیل از ارائه هرگونه مدرک واقعی را با این ادعا توجیه کند که «ماهیت ادعاها باعث می‌شود اسرائیل نتواند تمام شواهدی را که در اختیار دارد با آنروا به اشتراک بگذارد. آنها فکر می‌کنند که ما می‌توانیم اطلاعاتی را به آنها بدهیم، چون خودشان می‌دانند که برخی از کارمندان آنها برای حماس کار می‌کنند؟ واقعاً که!» اما ایلون لوی، تبلیغ‌کننده و سخنگوی دولت اسرائیل از پاسخ دادن به این سوال که آیا اسرائیل حتی به دولت‌های آمریکا و بریتانیا مدرک ارائه کرده است یا خیر؟ خودداری کرد و زمانی که برای اثبات ادعاهای اسرائیل تحت فشار قرار گرفت، به کانال ۴ انگلیس گفت: «من شخصاً از اینکه چه مطالبی ممکن است بین سازمان‌های اطلاعاتی ما منتقل شده باشد، آگاه نیستم.»

ارتباط با حماس؟

وزارت خارجه اسرائیل با طرح اتهامات دیگری مبنی بر همکاری آنروا با حماس به اجرای طرح افشاشده سهم‌حله‌ای

بر اساس گزارشی که نیویورک تایمز منتشر کرده، روند «توالی حوادث» که باعث شد ایالات متحده کمک مالی به آنروا را به حالت تعلیق درآورد، در ۱۸ ژانویه زمانی آغاز شد که امیر وایسبرود، معاون مدیرکل وزارت خارجه اسرائیل، با فیلیپ لازارینی، رئیس آنروا، در تل‌آویو دیدار و گفت‌وگو کرد. وایسبرود پرونده‌ای از اطلاعات جمع‌آوری شده توسط اسرائیل به لازارینی نشان داد که در آن ادعا شده بود ۱۲ کارمند آنروا در حملات ۷ اکتبر شرکت داشته‌اند. پس از این دیدار که در اسرائیل انجام شد، لازارینی هیچ تلاشی برای درخواست شواهد و مدارک برای اثبات صحت ادعاها نکرد. در عوض یک مقام سازمان ملل گفت که او به نیویورک رفت تا با آنتونیو گوترش، دبیرکل سازمان ملل متحد ملاقات کند و بلافاصله شروع به اخراج کارمندان کرد. روزنامه گاردین گزارش داده است که کمی بعد در یک کنفرانس مطبوعاتی از لازارینی پرسیده شد که آیا او بررسی کرده است که شواهدی برای ادعاهای ارائه‌شده توسط وایسبرود به او وجود دارد یا خیر و لازارینی در پاسخ گفت: «خیر! در حال حاضر تحقیقات در این خصوص در جریان است.» لازارینی گفت که او این «تصمیم استثنایی و سریع» را به دلیل «ماهیت بسیار مهم ادعاها» اتخاذ کرده است؛ در حالی که هنوز هیچ مدرکی از سوی اسرائیل ارائه نشده است. لازارینی گفت که حتی خودش پرونده را نخوانده است زیرا پرونده به زبان عبری بوده است. او گفت در عوض، «وایسبرود پرونده را می‌خواند و برای من ترجمه می‌کرد.»

آمریکا از کجا می‌داند واقعیت چیست؟

گزارش نیویورک تایمز اشاره می‌کند که آنروا در تاریخ ۲۴ ژانویه به مقامات آمریکایی در مورد این اتهامات اطلاع داده بود. تنها دو روز بعد، آنتونی بلینکن، وزیر امور خارجه ایالات متحده، از تعلیق کمک‌های مالی به آنروا خبر داد. وحشتناک‌تر اینکه وزارت امور خارجه آمریکا خبر تعلیق کمک‌های آمریکا به آنروا را درست زمانی اعلام کرد که گزارش‌های زیادی در این خصوص که غزه در آستانه یک قحطی تمام‌عیار است، منتشر شده بود. حتی خود مقامات آمریکایی اعلام کردند که «آنروا نقش مهمی در ارائه کمک‌های نجات جان فلسطینی‌ها از جمله غذا، دارو و سرپناها دارد.» بلینکن نیز مانند لازارینی این تصمیم را بدون

آژانس امدادرسانی و کاربایی برای آوارگان فلسطینی در خاور نزدیک، موسوم به آنروا، با شدیدترین بحران موجودیتی خود در تاریخ ۷۴ ساله اخیر مواجه است، زیرا کاهش بودجه این نهاد توسط چندین کشور غربی درست در میانه تداوم جنایات اسرائیل در غزه صورت گرفته است. این نهاد سازمان ملل متحد، نهادی منحصر به فرد است زیرا تنها سازمانی است که به گروه خاصی از پناهندگان در منطقه‌ای خاص اختصاص یافته و تنها سازمان امدادی است که یک سیستم آموزشی تمام‌عیار را اداره می‌کند. آنروا همچنین تنها سازمانی است که موظف به کار و فعالیت در غزه و توزیع کمک به دو میلیون نفری است که در حال حاضر در این منطقه محاصره شده و به دام افتاده‌اند و از قحطی و گرسنگی رنج می‌برند و حالا اسرائیل به‌طور اساسی قصد دارد این نهاد را از بین ببرد.

آنروا باید نابود شود

در ماه ژانویه، اسرائیل مدعی شد که کارکنان فلسطینی آنروا در عملیات طوفان الاقصی حماس که در تاریخ ۷ اکتبر انجام شد، شرکت کردند. این ادعای اسرائیل باعث شد که ایالات متحده و ۱۸ کشور دیگر به سرعت کمک‌های مالی‌شان به این سازمان را متوقف کنند. این تعلیق کمک مالی برای آنروا شوکه‌کننده بود چرا که این نهاد سازمان ملل نقشی کلیدی در تهیه غذا و دارو برای مردم نیازمندی غزه ایفا می‌کند و فلسطینی‌های محاصره‌شده در غزه بدون کمک آنروا در تلاش‌شان برای زنده ماندن در محاصره و زیر بمباران‌های اسرائیل، در وضعیت بدی قرار خواهند گرفت. با این حال، ادعاهای مطرح‌شده توسط اسرائیل حاوی هیچ سند و مدرک معتبری نیست. در عوض این ادعاها، بخشی از یک طرح طبقه‌بندی شده هستند که از قبل توسط وزارت خارجه اسرائیل برای نابودی آنروا تهیه شده است. وزارت خارجه اسرائیل بر این باور است که آنروا با تداوم رویای حق بازگشت آوارگان فلسطینی و ایده مبارزه مسلحانه علیه اشغالگری «بر خلاف منافع اسرائیل کار می‌کند.» طرح وزارت خارجه اسرائیل که در ۲۸ دسامبر توسط کانال ۱۲ اسرائیل فاش شد، یک فرآیند سهم‌حله‌ای را برای از بین بردن آنروا در نوار غزه، با دستاویز قرار دادن عملیات حماس به‌عنوان بهانه طراحی کرده است. این طرح به این شکل است که در ابتدا، پرونده‌ای مبنی بر همکاری آنروا با حماس تهیه می‌شود و سپس، کاهش حوزه فعالیت آنروا و یافتن ارائه‌دهندگان خدمات جایگزین انجام می‌شود و در مرحله سوم انتقال مسئولیت‌های آنروا به نهاد دیگری صورت خواهد پذیرفت. کانال ۱۲ اسرائیل اعلام کرد که اسرائیل قصد دارد این طرح را به تدریج انجام دهد چرا که دولت ایالات متحده نهاد آنروا را در چارچوب تلاش‌های بشردوستانه

